

بلطفی محمد

سیدحسین ذاکرزاده

۴۹



اشک در چشمان آسمان حلقه زده است. سال هاست زمین بغض خود را فرو می خورد و درونش بر از آتش است. فقط تلنگری دیگر باعث فوران این بغض فروخورده خواهد شد. فراتش از شرم به سرعت می دود تا نگاهش به نگاه علمه گره نخورد و هر آنچه در ساحل دیده فراموش کند. هنوز بوی دود از خاطره بیابان به مشام می رسد.
دل به بدرقهٔ محروم می آید!
ظهورها خورشید از بهت، خیرهٔ خیرهٔ به زمین می نگرد. انگار بعد از این سال‌ها هنوز روز واقعه را باور نکرده است. عصر که می شود آن قدر تاخ نگاهش را از روی زمین بر می دارد که اندوهش در هوای غروب منتشر می شود. اینجا هر روزش روز واقعه است. اینجا هنوز گوش بیابان از ندای «هل من ناصر ینصرونی» زنگ می زند و یشت زمین از ناله «انکسر ظهری» تبر می کشد. در شمار ذهن هر نخل بر ساحل علمه صدای فریاد «یا اخادرک اخاک» حک شده است. این خاک هنوز بوی پاس می دهد. گوش هنوز در حضرت شنیدن آخرین «لاحول ولا قوة الا بالله» و امانده است. صدای زنگ کاروان افتتاب به گوش می رسد. هرسال خاطره یک کاروان به این صحراء قدم می گذارد. محروم که می شود کاروان غم به دل اهل زمین و آسمان کوچ می کند.
محروم که می شود...

یک سایت ابا الفضلی

..::Abalfazl.com(pbuu):: - Microsoft Internet Explorer

کراماتش را شاهد خواهیم بود. آثار و اشعاری که با نام او بر قلم جاری شده و نقشی را که نگارگران از فداکاری او تصویر کرده‌اند، سرمهٔ چشمان خواهیم کرد و همراه با خادمانش خدمت به او را مдал گوشه‌هایی از حرم مطهرش را به نظره می‌نشینیم. افتخاری برای خود خواهیم ساخت و دست توسل به شیدایی، به زیارتش می‌شتابیم و شمایی از به دامن باب الحوائج، ابا الفضل العباس (علیه السلام) خواهیم زد.

عاشقانش را به چشمان همیشه گربان اشکی برای او، عرضه کنیم. بود، عطشناک برخاک افتاد، عشق اور در دل بیگانه و آشنا زبانه کشید و از عصر عاشرورا تا هماره تاریخ، در صفحاتی که به زیور نام علمدار کربلا آراسته خواهد شد، برگ‌هایی از زندگی سراسر تولای او و هر که نام او را شنید، واله و شیدای جوانمردی او شد. اینک ما نیز، چون قطره‌ای از دریای شیفگان ولایت، بر آن شدیم که گوش‌های ولایت، بر آن شدیم که گوش‌های از محبت

... و جون ابوالفضل به احترام عطش برادر که ولی او او، عرضه کنیم.

عده‌ی دعای خاصی لوعباس و ابا اصلان و

www.abalfazl.com

بسم رب الشهداء والمartyrs

بسم رب الشهداء والمartyrs

... و جون ابوالفضل به احترام عطش برادر که ولی او بود، عطشناک بر خاد افتاد، عشق اور در دل بیگانه و آشنا زبانه کشید و از عصر عاشرورا تا هماره تاریخ هر که نام او را شنید، واله و شیدای جوانمردی او شد. اینک ما نیز، چون قطره‌ای از دریای شیفگان ولایت، بر آن شدیم که گوش‌های از محبت عاشقانش را عرضه کنیم.

در صفحاتی که به زیور نام علمدار کربلا آراسته خواهد شد برگ‌هایی از زندگی سراسر تولای او و گوش‌هایی از حرم مطهرش را به نظره می‌نشیمیم و به شیدایی، به زیارتی می‌شتابیم و شمایی از از کراماتش را شاهد خواهیم بود؛ آثار و اشعاری که به نام او بر قلم جاری شده و نقشی را که نگارگران از فداکاری او تصویر کرده‌اند، سرمهٔ چشمان خواهیم کرد و همراه با خادمانش خدمت به او را مдал افتخاری برای خود خواهیم ساخت و دست توسل به دامن باب الحوائج، ابا الفضل العباس (علیه السلام) خواهیم زد.

بی شک، شتموشهای، بیشدها و اتفاشهای شما عزیزان ره توشه راههان خواهد بود.

بسته کترونیکی: www.abalfazl.com
Abalfazl@Abalfazl.Com